

چپستی و چرایی نظارت پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ بر اعمال مردم

حافظ نجفی^۱

چکیده

طبق برخی از آیات و روایات، پیامبران و ائمه اطهار ﷺ شاهد و ناظر اعمال انسان‌ها هستند و بر اساس همین جایگاه الهی، آنان در قیامت می‌توانند در خصوص اعمال انسان‌ها گواهی دهند و حتی با اذن پروردگار، به محاسبه اعمال انسان‌ها بنشینند. در این مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی نگارش یافته، این منزلت پیامبران و ائمه اطهار ﷺ از منظر قرآن و روایات بررسی، و به این پرسش، پاسخ داده می‌شود که چرا پیامبران و اهل بیت ﷺ ناظر و شاهد بر اعمال مردم هستند و این نظارت و شهادت چگونه صورت می‌گیرد؟ این بررسی نشان می‌دهد طبق شماری از آیات و روایات، پیامبران و ائمه اطهار ﷺ، به عنوان اولیای الهی و حجت‌ای پروردگار در روی زمین، می‌توانند از برنامه‌های زندگی مردم اطلاع یابند. این آگاهی - که با اذن خداوند صورت می‌گیرد - دارای حکمت‌های مهمی است؛ از جمله اینکه باور قلبی به این موضوع، به عنوان یک عنصر تربیتی، می‌تواند انسان‌ها را در کلیه برنامه‌های زندگی مصون سازد و رفتارشان را کنترل کند. همچنین باعث احساس مسئولیت انسان‌ها نسبت به زندگی خود و دیگران می‌گردد و سبب می‌شود انسان‌ها با انگیزه نیرومندتر و با هدف‌های متعالی زندگی کنند. واژگان کلیدی: نظارت، شهادت، پیامبران، ائمه اطهار ﷺ.

۱. عضو گروه اخلاق و اسرار پژوهشکده حج و زیارت.

از دیدگاه اسلام، انسان موجودی باکرامت و عزیز است که خداوند بر اساس لطف و عنایت خویش، برنامه دقیقی را مطابق با فطرت او ارائه داده و زنده رشد و کمال وی را با فرستادن پیامبران و کتاب‌های آسمانی فراهم کرده است.^۱ در بین راستا خداوند متعال ناظرانی را برای انسان‌ها قرار داده است تا اعمال و رفتار هر کدام از آنها را ثبت و ضبط کنند. انسان با به دلیل دارا بودن نیروی فکری و عقلانی، باید برای رسیدن به کمال مطلوب، در طه دستورات خداوند در تلاش باشند و خود را برای پاسخگویی در خصوص اعمال و رفتار خویش، در روز قیامت مهیا کنند. این مسئله، از منظر قرآن و عترت علیهم‌السلام، نوعی اتمام حجت برای انسان و توجه دادن وی به این نکته مهم است که انسان یهوده آفریده نشده؛ بلکه دستگاه آفرینش، برای وی اهداف مهمی را تعریف کرده است. (مؤمنون: ۱۱۵؛ قیامت: ۳۶) انسان باید متوجه باشد که همواره در محضر پروردگار است: ﴿أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى﴾ (علق: ۱۴) «آیا انسان نمی‌داند که خداوند می‌بیند؟» همچنین باید همواره مراقب زندگی خود باشد و به سنجش اعمال خویش مبادرت ورزد:

حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا وَزِنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُوزَنُوا وَتَجَهَّزُوا لِلْعَرْضِ الْأَكْبَرِ. (مجلسی، ۱۴۱۲ق، ج ۶۷، ص ۷۳) [اعمال] خود را حساب کنید پیش از آنکه محاسبه شوید و خود را بسنجید پیش از آنکه سنجیده شوید و برای عرضه بزرگ مجهز شوید.

ناظران بر اعمال انسان در قرآن و روایات

از دیدگاه قرآن و روایات، همه اجزای جهان دارای درک و شعور است و سنجش برای زندگی انسان همواره و در همه حالات وجود دارد. در قرآن کریم به طور مشخص از شهادت اعضا و جوارح انسان (نور: ۲۴؛ یس: ۶۵؛ فصلت: ۲۰-۲۲) و فرشتگان ثبت‌کننده اعمال و

۱. ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ﴾ (آل عمران: ۱۶۴) «خداوند بر مؤمنین منت گذاشت که پیامبری از خودشان را در بین آنان مبعوث نمود تا آیات خداوند را بر آنان بخواند و آنان را پاک کند و کتاب و حکمت را به آنان بیاموزد».

یامبران و ائمه علیهم السلام نام برده شده است. از میان آنها به سه گروه اشاره می‌شود:

۱. فرشتگان

خداوند درباره فرشتگان می‌رmaid:

﴿كِرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾. (انفطار: ۱۱-۱۲)

بزرگوارانی و یسنده که می‌دانند چه می‌کنند.

﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا وَ لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾. (ق: ۱۸)

[انسان] هیچ سخنی نمی‌گوید مگر آنکه فرشته مراقب و آماده ثبت اعمال، نزد وی حاضر است.

علامه طباطبایی در خصوص نوشتن اعمال انسان توسط فرشتگان می‌ویسد:

مقصود از آن، اشاره به علم خدای تعالی است که بفهماند خدای سبحان، علاوه بر آن علمی که در ذات مقدس خویش بدون وساطت ملائکه و هر واسطه‌ای دیگر دارد، از طریق نوشتن اعمال توسط ملائکه نیز به اعمال انسان آگاهی دارد و غرض عمده، بیان اقریب خدای تعالی به انسان و علمش به اوضاع و احوال او می‌باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۸، ص ۳۴۸)

امام صادق علیه السلام در روایتی، چگونگی دیدار و گفت‌وگوی مؤمنان با یکدیگر و حضور فرشتگان نزد آنان و نحوه ثبت اعمال آنان را چنین مطرح فرمودند:

إِنْ كَانَتْ الْمَلَائِكَةُ لَا تَكْتُبُ لَفْظَهُمَا وَلَا تَعْرِفُ كَلَامَهُمَا فَإِنَّهُ يَعْرِفُهُ وَيَحْفَظُهُ عَلَيْهِمَا عَالِمُ السِّرِّ وَالْأَخْفَى. (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۲، ص ۱۸۴)

فرشتگان اگر الفاظ آنها را ننویسند و سخنان آنها را نشناسند، پس همانا خداوندی که از اسرار باخبر است، می‌شناسد و آن را برایشان نگهداری می‌کند.

از این روایت استفاده می‌شود که هرچند فرشتگان، مأمور ثبت اعمال انسان‌ها هستند، اما خداوند برای اکرام و احترام مؤمن، بعضی از سخنان او را که جنبه سری دارد، از فرشتگان مکتوم می‌دارد خودش حافظ تمام این اسرار است.

۲. پیامبران

قرآن کریم درباره پیامبران - که از سوی خداوند، هدایت و راهنمایی مردم را در هر زمان بر عهده دارند - شاهدان و ناظران زندگی مردم، می‌رmaid: ﴿وَجِئَءَ بِالتَّبِيَّيْنَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (زمر: ۶۹) «[در قیامت] پیامبران و شاهدان آورده می‌شوند و میان مردم به حق داوری می‌شود و مورد ستم قرار نمی‌گیرند».

در خصوص گواهی حضرت مسیح عليه السلام نیز می‌رmaid:

﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا﴾. (نساء: ۱۵۹)

و هیچ‌یک از اهل کتاب نیست، مگر اینکه پیش از مرگش به او (حضرت مسیح) ایمان می‌آورد و روز قیامت، بر آنها گواه خواهد بود.

طبق این آیه، حضرت مسیح عليه السلام در روز قیامت، بر اعمال امت خویش گواه است و لازمه این گواه بودن، مشاهده اعمال امت است؛ چراکه شاهد به کسی می‌گویند که امری را مشاهده کند و سپس شهادت بدهد. پیامبران هم به اذن خدا، اعمال انسان را مشاهده می‌کنند و در قیامت شهادت می‌دهند.

در دو آیه ذیل شاهد بودن پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله وسلم در قیامت، به صورت مشخص، مطرح شده است:

﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾. (نساء: ۴۱)

[حال آنان] چگونه است در روزی که از هر امتی، شاهد و گواهی [بر اعمالشان] می‌آوریم و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم آورد.

- ﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ...﴾. (نحل: ۸۹)

[ه‌یادآور] روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیزیم و تو را [هم] بر این [امت] گواه آوریم....

برخی مفسران، عبارت ﴿وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ﴾ را دو گونه معنا کرده‌اند: نخست اینکه تو را هم می‌آوریم تا بر این امت شاهد باشی و معنای دوم - که مناسب‌تر به نظر می‌رسد - اینکه تو را می‌آوریم تا بر این شاهدان، شاهد باشی. با این نگاه، پیامبر اکرم ﷺ بر پیامبران و شاهدان و کل صحنه قیامت شاهد خواهد بود. (طیب، ۱۳۷۸ ش، ج ۸، ص ۱۷۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۰، ص ۲۵۷)

در تفسیر نمونه در این زمینه آمده است:

علاوه بر گواهی اعضای پیکر آدمی و گواهی زمینی که بر آن زیست کرده و گواهی فرشتگان خدا بر اعمال او، هر پیامبری نیز گواه اعمال امت خویش است و پیامبر اسلام ﷺ - که آخرین و بزرگ‌ترین پیامبر الهی است - نیز گواه بر امت خود می‌باشد و بدکاران، با وجود این همه گواه، چگونه می‌توانند حقیقتی را انکار کنند و خود را از کیفر اعمال خویش دور دارند. نظیر این مضمون در چند آیه دیگر قرآن نیز هست؛ از جمله آیه ۱۴۳ بقره، و آیه ۸۹ نحل، و آیه ۷۸ حج. اکنون این سؤال پیش می‌آید که گواهی پیامبران نسبت به اعمال امت خویش چگونه خواهد بود؟ اگر کلمه «هؤلاء» اشاره به مسلمانان بوده باشد، همان‌طور که در تفسیر مجمع البیان آمده است، پاسخ این سؤال روشن خواهد بود؛ زیرا هر پیامبری مادامی که میان امت خویش است، شاهد و ناظر اعمال آنهاست و بعد از آنها اوصیا و جانشینان معصومشان، شاهد و ناظر اعمال امت خواهند بود و لذا درباره حضرت عیسیٰ ﷺ چنین می‌خوانیم که در روز قیامت، مسیح ﷺ در پاسخ سؤال پروردگار عرض می‌کند:

﴿وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ﴾

(مائده: ۱۱۷)

[پروردگارا] تا آن زمان که میان آنها بودم، شاهد و گواه اعمال آنها بودم؛ ولی هنگامی که مرا از میان آنها بازگرفتی، خودت مراقب آنان بودی....

ولی جمعی از مفسران احتمال داده‌اند که کلمه «هؤلاء» اشاره به گواهان امت‌های پیشین است؛ یعنی ای پیامبر اسلام، تو را گواه همه گواهان و انبیا گذشته قرار خواهیم داد. بنابراین مفهوم آیه چنین خواهد شد که هر پیامبری در حال حیات و ممات، از طریق مشاهده باطنی و روحانی، ناظر احوال تمام امت خویش خواهد بود و روح پاک پیامبر اسلام ﷺ نیز از همین راه ناظر همه امم پیشین و امت خویش است و به این طریق، آنها می‌توانند نسبت به اعمال آنها گواهی دهند. مفهوم آن چنین می‌شود که روح پیامبر اسلام ﷺ از آغاز خلقت آدم وجود داشته است؛ زیرا معنای شهود، آگاهی توأم با حضور است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۳۹۱-۳۹۳)

ابته عقیده به موضوع نظارت پیامبران و گواهی آنها در قیامت، مختص شیعه نیست؛ بلکه در برخی منابع اهل سنت نیز با دلایل نقلی به اثبات آن پرداخته شده است؛ برای مثال در کتاب شواهد التنزیل - که از کتب تفسیری اهل سنت است - ذیل آیه ﴿تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ (بقره: ۱۴۳) حدیثی از امیرالمؤمنین علی عليه السلام نقل شده است:

فَرَسُوهُ اللَّهُ شَاهِدًا عَلَيْنَا، وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى النَّاسِ [عَلَى خَلْقِهِ] وَ حُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ، وَ نَحْنُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ [فِيهِمْ] وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا. (حسکانی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۱۹)

پس رسول خدا ﷺ شاهد بر ماست و ما شاهدان خدا بر مردم و حجت او بر روی زمین هستیم و ما هستیم کسانی که خداوند درباره آنها فرموده است: ﴿وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾؛ «و این چنین شما را امت میانه قرار دادیم».

از آنجا که حیات انبیا و شهدا با انسان‌های عادی فرق می‌کند و چون طبق آیه قرآن، شهدا زنده هستند،^۱ زنده بودن انبیا نیز همانند شهدا، و بلکه بالاتر از آن است؛ چنان‌که آلوسی، از بزرگان اهل سنت، می‌نویسد:

۱. ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ﴾ (بقره: ۱۵۴) «و به آنها که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگوئید! بلکه آنان زنده‌اند، ولی شما نمی‌فهمید».

حیات انبیا صلی الله علیه و آله، یعنی همان حیات برزخی، برتر از حیات شهداست. خداوند متعال در مورد شهدا فرموده است: «شهادت زنده‌اند؛ نزد پرورگارشان روزی داده می‌شوند». پس این امر (حیات برزخی انبیا) مطلبی ثابت شده با روایات صحیح است. (ایشان برای تأیید سخن خود به سخنان شیخ علی سویدی بغدادی - که آن را بخاری زمان خود معرفی می‌کند - اشاره می‌کند.^۱ سویدی بغدادی در کتاب العقد خود، روایتی را از انس رضی الله عنه آورده است که وی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نمود که حضرت رسول فرمودند: «الْأَنْبِيَاءُ أَحْيَاءُ فِي قُبُورِهِمْ يَصَلُونَ»؛ «پیامبران در قبرهای خود زنده هستند و نماز می‌خوانند». سویدی همچنین روایتی را از طریق امام أحمد حنبل و مسلم و نسائی از اس بن مالک آورده است که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «در شب معراج، من به موسی علیه السلام گذر کردم. دیدم وی در قبر خود ایستاده و نماز می‌خواند». (آلوسی، بی تا، ج ۱، ص ۳۹-۴۲).

عبدالقاهر بغدادی، یکی از فقهای شافعی، عرضه اعمال را یکی از مطالب مورد قبول محققان این مذهب می‌داند و تصریح می‌کند:

قال المتكلمون المحققون من أصحابنا أن نبينا صلى الله عليه وسلم حي بعد وفاته وأنه يسر بطاعات أمته. (سمهودی، ج ۱، ص ۴۳؛ شوکانی، بی تا، ج ۳، ص ۳۰۵)
محققان علم کلام از اصحاب ما گفته‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از وفاتش زنده است و به واسطه اطاعت امتش خوشحال می‌شود.

سیوطی و صالحی شامی در ادامه سخن وی آورده‌اند: «ويحزن بمعاصي العصاة منهم»؛ (سیوطی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۴۱؛ صالحی شامی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۲، ص ۳۵۵) «رسول خدا با گناه گنهکاران امت محزون می‌شوند».

سمرقندی، یکی از مفسران اهل سنت، نیز پس از این فراز آیه ﴿فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾ (توبه: ۱۰۵) می‌نویسد: «یعنی و یراه رسوله و یراه المؤمنون»؛ (سمرقندی، بی تا، ج ۲، ص ۸۶) «عمل شما را رسول خدا صلی الله علیه و آله و مؤمنان می‌بینند».

۱. قَالَ بخاری عصره شيخ مشايخنا الشيخ علي السويدي بغدادی.

واحدی نیز در توضیح همین قسمت از آیه می نویسد:

یعنی خداوند آنها را بر خیر و شری که در قلب‌های برادرانتان می گذرد، آگاه می سازد. پس آن‌ها انسان‌های نیکو کار را دوست، و انسان‌های بدکار را دشمن می دارند و این حب و بغض را خداوند در دل آنها قرار می دهد. (واحدی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۸۰)

محمود بن حمزه کرمانی دو آیه ﴿وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ...﴾ (توبه: ۹۴) و ﴿فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ...﴾ (توبه: ۱۰۵) را ذکر کرده و در شرح آنها نوشته است:

آیه اول درباره منافقان است و جز خدا و رسول خدا، کسی از باطن آنها باخبر نمی شود. رسول خدا هم با اذن پروردگار مطلع می گردد؛ چنان که در ادامه این آیه آمده است: ﴿قَدْ نَبَّأَنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ﴾. اما آیه دوم درباره مؤمنان و طاعات مؤمنین و عباداتشان است که برای خدا و رسول و مؤمنان آشکار می گردد. (کرمانی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۰۰)

۳. ائمه اطهار علیهم السلام

درباره شاهد بودن ائمه اطهار علیهم السلام ذیل آیه شریفه ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ (بقره: ۱۴۳) در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: «نَحْنُ الْأُمَّةُ الْوَسْطَى وَنَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَحُجَجُهُ فِي أَرْضِهِ»؛ (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۱۹۰) «ما (ائمه)، امت میانه هستیم و ما گواهان خداوند بر خلقش و حجت‌های او بر روی زمین هستیم».

ذیل آیه ﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^۱ (توبه: ۱۰۵) نیز چندین روایت وجود دارد مبنی بر اینکه مراد از مؤمنون در این آیه که خداوند ایشان را ناظر بر اعمال انسان‌ها می داند، ائمه علیهم السلام هستند؛

۱. و بگو هر عملی که می خواهید انجام دهید، پس خدا و رسولش و مؤمنان عمل شما را می بینند و به زودی به سوی دانای نهران و آشکار بازگردانده می شوید و شما را به آنچه عمل می کردید خبر می دهد.

برای مثال، امام صادق علیه السلام می فرماید: «هُمُ الْأَئِمَّةُ عليهم السلام، تُعْرَضُ عَلَيْهِمْ أَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلِّ يَوْمٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ (صفار قمی، ۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۷) «آنها ائمه عليهم السلام هستند که اعمال بندگان هر روز تا روز قیامت به ایشان عرضه می شود».

یعنی در قیامت امام علی علیه السلام بر اعمال امت زمان خود شاهد و گواه است. پس از ایشان، گواه و مراقب و شاهد امت زمان، امام حسن و امام حسین علیهما السلام و به نوبت ائمه پس از ایشان هستند و امام زمان علیه السلام، شاهد و ناظر بر تمام اعمال ماست؛ چنانکه خود حضرت مهدی علیه السلام می فرماید:

إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَلَا ذَاكَ لَنَزَلْ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَاصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ. (طبرسی، ۳۸۶ق، ج ۲، ص ۴۹۷)

همانا ما از رعایت حال شما که تاهی نمی کنیم و شما را از یاد نمی بریم؛ چه در غیر این صورت، سختی ها و گرفتاری ها بر شما فرو می آید و دشمنان شما را ریشه کن می کنند و از بین می برند.

در زیارت جامعه کبیره آمده است: «وَحَجَجًا عَلَى بَرِيَّةٍ... وَشَهَادَةً عَلَى خَلْقِهِ...»؛ «ائمه عليهم السلام حجت های خداوند و گواهان بر خلقش هستند».

در روایتی آمده است شخصی از حضرت امام رضا علیه السلام خواست که برای او و خانواده اش دعا کنند. حضرت فرمود: «مگر دعا نمی کنم؟! به خدا سوگند، اعمال شما هر شب و روز بر من عرضه می شود. راوی ویدا بر من گران آمد. امام متوجه شد و به من فرمود: «أَمَا تَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَقُلْ أَعْمَلُوا...»؛ «آیا کتاب خداوند را نمی خوانی که می گوید: و بگو هر عملی که می خواهید انجام دهید...». (کلینی، ۳۸۹ق، ج ۱، ص ۲۱۹)

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «أَنَا شَاهِدُكُمْ وَحَجِيجُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ عَنْكُمْ»؛ (شریف رضی، ۱۳۶۹ش، خطبه ۱۷۶) «من گواه اعمال شما بوده و در روز قیامت از شما دفاع می کنم». در دعای دوم صحیفه سجادیه آمده: «وَجَعَلْنَا شُهَدَاءَ عَلِيٍّ مِنْ جَحَدِهِ»؛ (علی بن الحسین علیهما السلام، ۱۴۱۱ق، ص ۳۵) «خداوند ما را شاهد بر منکران قرار داده است».

در روایتی دیگر آمده است:

نَحْنُ الشُّهَدَاءُ عَلَى شِيعَتِنَا وَشِيعَتُنَا شُهَدَاءُ عَلَى النَّاسِ وَبِشَهَادَةِ شِيعَتِنَا يُجْزَوْنَ وَ يُعَاقَبُونَ. (مجلسی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۳۲۵)

ما شاهدان بر شیعه، و شیعیان ما شاهدان بر مردمند و به شهادت شیعیان ما، جزا داده و معاقب می شوند.

ذل آیه شریفه ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ... وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ...﴾^۱ (حج: ۷۸) روایات زیادی از شاهد بودن ائمه هدی علیهم السلام خبر داده‌اند؛ از جمله امام باقر علیه السلام فرمود:

فَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الشَّهِيدُ عَلَيْنَا بِمَا بَلَّغْنَا عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ نَحْنُ الشُّهَدَاءُ عَلَى النَّاسِ فَمَنْ صَدَّقَ صَدَقْنَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ كَذَّبَ كَذَّبْنَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۱۹۰)

پس رسول خدا شاهد بر ماست در آنچه از جانب خدا به ما رسانده است و ما در روز قیامت شاهد بر مردم هستیم. پس آن که روز قیامت را تصدیق کند، تصدیق می کنیم و هر کس آن را تکذیب کند، تکذیب خواهیم کرد.

طبق آیات و روایاتی که تاکنون مطرح شد، پیامبران - مخصوصاً پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و همچنین اهل بیت اطهار علیهم السلام - با اذن خداوند، شاهد بر اعمال امت هستند. در خصوص آن که اعمال چگونه به محضر حضرت رسول و ائمه علیهم السلام عرضه می شود، احتمالاتی وجود دارد:

احتمال اول: عرضه اعمال توسط ملائکه. طبق برخی روایات اعمال بندگان در هر صبح یا در روزهای پنج به بر پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرضه می شود.

محمد بن فضیل می گوید: «از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند که می فرماید:

۱. و در راه خدا چنان که حق جهاد [در راه] او است، جهاد کنید... و در این [قرآن نیز همین مطلب آمده است] تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید... .

﴿فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولَهُ وَالْمُؤْمِنُونَ...﴾ پر سیدم. فرمود:

إن رسول الله ﷺ تعرض عليه أعمال أمته كل صباح أبراها و فجارها فاحذروا. (صفار

قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۲۵)

همانا رسول خدا ﷺ اعمال امتش (چه نیکان و چه اهل فجور) در هر صبح به وی

رضه می شود. پس [از معاصی] بر حذر باشید.

ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند: «الأعمال تعرض كل خميس على رسول الله ﷺ»؛

(همان جا). «عمل ها در هر پنجشنبه بر رسول خدا ﷺ عرضه می شود».

احتمال دوم: خود حضرات، اعمال بندگان را می بینند؛ چنان که امام باقر علیه السلام فرمود: «نَحْنُ

عَيْنُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ»؛ (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۱۴۳) «ما چشم خداوند میان آفریده هایش

هستیم». در زیارتنامه امام زمان علیه السلام در روز جمعه می خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي

خَلْقِهِ»؛ (ابن طاوس، بی تا، ص ۳۷) «سلام بر تو ای چشم خداوند میان آفریده هایش». از عنوان

عین الهی می توان برداشت کرد که خود حضرت به ملاحظه ا که چشم خداوند میان خلق

هستند، اعمال آنان را می بینند. همچنین در روایتی آمده است: «انَّهُمْ شُهُودُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»؛

(صفار قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۲۵) «همانا آنان گواهان خدا در زمینش هستند». بدیهی است

کسانی می توانند در قیامت بر اعمال بندگان شهادت دهند که خود شاهد اعمال بوده و کردار

بندگان را دیده باشند.

در زیارت اکثر معصومان از اهل بیت علیهم السلام می خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ تَرَى مَقَامِي وَتَسْمَعُ كَلَامِي

وَتَرُدُّ سَلَامِي»؛ (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۱۱) «ای حجت خدا، من شهادت می دهم که تو

می بینی که من کجا ایستاده ام و می شنوی که چه می گویم و سلام مرا پاسخ می دهی.

احتمال سوم: حضرت هر آنچه در گذشته اتفاق افتاده و در آینده واقع خواهد شد، اعم از

حوادث و اعمال بندگان را از ش می داند؛ چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید:

... وَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ أُعْطِيَ عِلْمَ مَا كَانَ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَوَرْتَنَاهُ مِنْ

رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَرَأَتْهُ. (صفار قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۲۹)

به رسول خدا ﷺ علم آنچه واقع شده و آنچه تا قیامت واقع خواهد شد، داده شده و ما آن را از او به ارث برده ایم.

حضرت امام رضا علیه السلام نیز ضمن بیان علایم امام می فرماید:

إِنَّ الْإِمَامَ مُؤَيَّدَ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ عَمُودٌ مِنْ نُورِ يَرِي فِيهِ أَعْمَالُ الْعِبَادِ.

(شیخ صدوق، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۵۲۸؛ همو، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۲۱۴)

همانا امام به وسیله روح القدس تأیید شده است و بین او و خدا ستونی از نور قرار دارد که اعمال بندگان را در آن [ستون نوری] مشاهده می کند.

با وجود ابزارهای مخابراتی ساخت بشر که به وسیله آن یک نفر در یک گوشه دنیا با فرد دیگری در گوشه ای دیگر از دنیا به صورت تصویری صحبت می کند، تعجب ندارد که خداوند علیم حکیم به ولی اعظمش آن چنان قدری بدهد که بدون ابزار عادی، در هر نقطه ای از جهان به هست، همه چیز را ببیند و هر صدایی را بشنود و فریادرس در ماندگان باشد. پس امامان علیهم السلام شهدای دارالفنا هستند و در این دنیا شاهد تمام افکار و اعمال آدمیانند و به همین علت شفعی دارالبقا نیز خواهند بود و در روز جزا، بر اساس شهود و حضوری که در دنیا داشته اند، به ادای شهادت و شفاعت خواهند پرداخت.

ذیل آیه سوم سوره مبارکه بروج، در تفسیر عبارت ﴿وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ﴾، امام صادق علیه السلام

درباره مراد از کلمه شاهد می فرماید: «شاهد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هستند».

(کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۴۲۵)

نظارت در همه زمان ها و مکان ها

گفتیم پیامبران و اهل بیت عصمت علیهم السلام شاهد زندگی مردم هستند. طبق دلایلی، این مقام معنوی بسیار گسترده است و بین نیست که آن بزرگواران در زمان یا مکان خاصی چنین اختیاری را داشته باشند؛ بلکه آنان نظارت کامل دارند و هیچ امری از نظرشان غایب و پنهان نیست؛ چنان که امام صادق علیه السلام ذیل آیه ﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ

شهیدا ﴿نساء: ۴۱﴾ می فرماید:

نَزَلَتْ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ خَاصَّةً فِي كُلِّ قَرْنٍ مِنْهُمْ إِمَامٌ مِّنَّا شَاهِدٌ عَلَيْهِمْ وَ مُحَمَّدٌ ﷺ
شَاهِدٌ عَلَيْنَا. (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۱۹۰)

این آیه درباره امت پیامبر ﷺ نازل شده است؛ چرا که در هر عصری امامی شاهد بر امت پیامبر ﷺ است و شاهد بر همه حضرات معصومین ﷺ نیز وجود مقدس پیامبر ﷺ است.

نقل شده است فردی خدمت امیرالمؤمنین ﷺ رسید، سلام کرد و گفت: «أَنَا وَاللَّهِ أَحِبُّكَ وَ أَتَوَلَّاكَ»؛ «به خدا قسم تو را دوست دارم و از تو تبعیت می کنم». حضرت فرمود: «مَا أَنْتَ كَمَا قُلْتَ»؛ «ا ن که می گویی نیستی!» آن گاه حضرت در توضیح علت آن فرمود: «خداوند دو هزار سال پیش از اینکه جسم افراد را بیافریند، روحشان را آفریده بود. خداوند محبین و دوستانمان را بر ما عرضه کرد، به خدا قسم روح را در زمره محبینمان نمی بینم». مرد چیزی نگفت و برگشت. (صفار قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۸۷)

ابن شهر آشوب در مناقب نقل کرده است:

امیرالمؤمنین ﷺ اوّل شب در مسجد نماز خواند و پس از نماز، فردی را به نام و شاء احضار کرد و فرمود: «به فلان نقطه دور افتاده کوفه برو. آنجا مسجدی هست. مقابل آن مسجد، مرد و زنی را می بینی که با هم مشاجره و نزاع می کنند. هر دو را نزد من بیاور». و شاء می گوید: من به همان نشانی رفتم و آن مرد و زن را کنار آن مسجد در حال منازعه دیدم. گفتم: امیرالمؤمنین ﷺ شما را احضار کرده است. با هم آمدیم. امام ﷺ از مرد علت منازعه را جویا شد. او گفت: یا امیرالمؤمنین، من این زن را برای خودم عقد کردم و برایش مهری معین کردم؛ ولی وقتی خواستم نزدیکی کنم، او خون دید و لذا در کار خود متحیر شدم. احساس می کنم از او متنفرم و نمی توانم نزدیکش بروم. امام ﷺ به آن زن فرمود:

۱. پس چگونه است [حالشان] آنگاه که از هر امتی گواهی آوریم و تو را بر آنان گواه آوریم؟

تو چه می‌گویی؟ گفت: آقا، این مرد مرا عقد کرده. برایم مهر معین کرده و من زوجه او هستم. فرمود: تو به این مرد حرامی و نمی‌توانی زن او باشی و او هم نمی‌تواند شوهر تو باشد. این حرف برای آنها و دیگران تعجب‌آور بود. حضرت فرمود: ای زن، تو مرا می‌شناسی؟ گفت: البتّه؛ اسم شما را شنیده‌ام. امیرالمؤمنین هستید؛ اما از نزدیک شما را زیارت نکرده بودم. حضرت فرمود: اما من تو را می‌شناسم. سمت این است و پدر و مادرت این و از فلان قبیله‌ای و...، درست است؟ گفت: بله. سپس حضرت فرمود: یادت هست در جوانی با مردی به طور موقت و به صورت پنهان از خانواده‌ات ازدواج کردی؟ آن‌گاه از آن مرد حامل شدی و وضع حمل کردی و چون می‌ترسیدی که رسوا شوی، آن بچه را در تاریکی شب میان بیابان گذاشتی. چند قدم که فاصله گرفتی، مهر مادری در تو تحریک شد و برگشتی و بچه را برداشتی. باز ترسیدی و بچه را گذاشتی. چند قدم که دور شدی، چند سگ به تو پارس کردند. تو ترسیدی و فرار کردی. سپس برگشتی و دیدی یکی از آن سگ‌ها سراغ آن بچه نوزاد رفته است؛ سنگی را برداشتی و به سمت سگ پرتاب کردی و آن سنگ به سر بچه خورد و ناله‌اش بلند شد. تو ترسیدی که نکند با صدای بچه کسی بیاید. فرار کردی و با حال پریشان گفתי خدایا ای نگه‌دارنده امانت‌ها، این امانت را به تو سپردم. آیا آنچه گفتم درست است؟ گفت: بله یا امیرالمؤمنین، درست است؛ ولی عجیب این است که گویی شما قدم به قدم همراه من بوده‌اید؛ چون این سرّی بود که کسی جز خدا و من از آن آگاه نبوده است. حضرت فرمود: حال، از آن بچه خبر داری؟ گفت: خیر، اصلاً هیچ نمی‌دانم او چه شده است. فرمود: این جوان که می‌خواستی با او ازدواج کنی، همان بچه است که به خدا سپرده بودی و خدا هم امانتداری کرد. آن وقت آن مرد جوان را صدا زد و فرمود: پیشانیت را باز کن. وقتی باز کرد، امام به آن زن فرمود:

هَاءِ الشَّجَّةِ فِي قَرْنٍ وَلَدِكِ وَ هَذَا الْوَلَدُ وَلَدُكَ وَاللّٰهُ تَعَالٰى مَنَعَهُ مِنْ وَطْئِكَ بِمَا أَرَاهُ

مِنْكَ مِنَ الْآيَةِ الَّتِي صَدَّقْتَهُ وَاللَّهُ قَدْ حَفِظَ عَلَيْكَ كَمَا سَأَلْتِيهِ فَاشْكُرِي لِلَّهِ عَلَى مَا
أَوْلَاكَ وَحَبَاكَ.

این جای همان شکستگی است که در پیشانی بچه‌ها بود. پس آن جوان فرزند
تو است که خداوند از نزدیکی او با تو جلوگیری فرمود؛ به دلیل اینکه تو آن را
به عنوان امانت به خداوند سپرده بودی. پس خدایت را به جهت این عنایتی که
به تو کرد، شکر کن و سپاسگزار باش. (ابن شهر آشوب، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۶۶)

نقش نظارت پیامبران و اهل بیت علیهم‌السلام در زندگی انسان

نظارت پیامبران و ائمه علیهم‌السلام بر اعمال مردم در دنیا، از آن جهت حائز اهمیت است که آنان
به امر خداوند، حسابرس اعمال مردم در امت نیز هستند. یکی از تعبیراتی که در زیارتنامه‌ها
وجود دارد و جایگاه نظارتی اهل بیت علیهم‌السلام را مطرح کرده، این عبارت در زیارت جامعه
کبیره است: «وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ»؛ (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۲)
«بازگشت خلق [در روز قیامت] به سوی شما، و حسابشان بر عهده شماست».

جابر از امام باقر علیه‌السلام روایت کرده است:

۱ جابر، آن گاه که روز قیامت شود [و] خدای عزوجل اولین و آخرین را برای
رسیدگی به حساب‌هایشان (فصل خصومت) گرد هم آورد، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و
امیر مؤمنان علیه‌السلام را فراخوانند. پس به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جامه‌ای سبز می‌پوشانند که
میان مشرق و مغرب بدرخشد و ه علی علیه‌السلام نیز مانند آن را بپوشانند و جامه گلی
دیگری به رسول خدا بپوشانند که مابین مشرق و مغرب از نور آن روشن شود
و مانند آن را به علی علیه‌السلام نیز بپوشانند و پس از آن، آن دو را بالا برند. آن گاه ما
را بخوانند و حساب مردم را به دست ما دهند و ما به خدا سوگند، اهل بهشت را
به بهشت بریم و اهل دوزخ را به دوزخ وارد می‌کنیم... (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۸،

ص ۱۵۹)

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَكُنَّا اللَّهُ بِحِسَابِ شِعْتِنَا، فَمَا كَانَ لِلَّهِ سَأَلْنَا اللَّهُ أَنْ يَهَبَهُ لَنَا فَهُوَ لَهُمْ، وَمَا كَانَ لَنَا فَهُوَ لَهُمْ، ثُمَّ قَرَأَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ». (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۰۶)

هنگامی که روز قیامت فرا برسد، خداوند ما را موکّر حسابرسی شیعیان می کند. هر گناهی که بین ایشان و خدا باشد، از خدا می خواهیم تا آنان را به ما ببخشد. پس خداوند آن گناهان را می بخشد. آن کوتاهی ها که درباره ما داشتند، ما هم به ایشان می بخشیم (هر حقی که از ما ضایع کردند از آنها می گذریم). [سپس امام این آیه را قرائت فرمود]: «إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ»؛ «به یقین بازگشت همه آنها به سوی ماست و به یقین حسابشان ز ما ماست» (غاشیه: ۲۵ و ۲۶).

اکنون که دا یم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان مطهر ایشان، هم در دوران حیات و هم پس از وفات و شهادتشان ناظر زندگی های ما هستند، این مطلب باید برای ما بسیار درس آموز باشد؛ چراکه جمله «شُهِدَاءَ عَلَيَّ خَلْقِهِ» ه ما گوشزد می کند که باید مراقبت های زیادی در زندگی خود داشته باشیم. حضرات معصومین علیهم السلام حتی بر نیات و حالات و اعمال درونی ما نیز آگاه هستند. گاهی ما نیتی می کنیم که هیچ کس خبر ندارد؛ اما حضرات معصومین علیهم السلام هم می بینند و هم می دانند. آنان چیزهایی را می بینند که از دید دیگران، غایب است.

ابوبصیر می گوید به امام صادق علیه السلام عرضه داشتیم، فلان کس می گوید اعمال امت پنج شنبه ها بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرضه می شود. امام صادق علیه السلام فرمود:

این مختص پنج شنبه نیست؛ اعمال امت، در هر صبح بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرضه می شود. [سپس فرمود] احتیاط کنید و از مخالفت با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرهیز کنید. زیرا خداوند می فرماید: «اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ»؛ «عمل کنید. خدا عمل شما را می بیند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مؤمنین می بینند». (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۶، ص ۱۰۹؛ کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۲۲۰)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «إِنَّا لَنَعْرِفُ الرَّجُلَ إِذَا رَأَيْنَاهُ بِحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ وَبِحَقِيقَةِ النَّفَاقِ»؛ «هنگامی

که ما فردی را می بینیم، می شناسیم که مؤمن حقیقی هست یا منافق حقیقی است». (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۲۲۳)

موسی بن سیار می گوید:

من خدمت حضرت رضا علیه السلام بودم. وارد کوچه ای طوس شدیم. سروصدایی شنیدیم. از پی آن صدا رفتیم. دیدم جنازه ای است. همین که چشمم به جنازه افتاد، دیدم حضرت رضا علیه السلام پای از رکاب خارج نموده، پیاده شد و به طرف جنازه آمد، جنازه را بلند کرد. چنان به آن جنازه چسبیده بود، مثل بره ای که به مادرش بچسبد. سپس فرمود: «ای موسی بن سیار، هر کس جنازه یکی از دوستان ما را تشییع بنماید، گناهانش می ریزد؛ مثل اینکه تازه از مادر متولد شده و گناهی برایش نمی ماند».

همان طور رفت تا آن جنازه را کنار قبر گذاشتند. امام علیه السلام جلو رفت و مردم را از اطراف جنازه دور کرد تا میت را مشاهده کرد. دست روی سینه اش گذاشت. سپس فرمود:

يَا فُلَانُ بَنَ فُلَانٍ أَبْشِرْ بِالْجَنَّةِ فَلَا خَوْفَ عَلَيْكَ بَعْدَ هَذِهِ السَّاعَةِ....

ای فلانی پسر فلان کس، تو را به بهشت بشارت می دهم. دیگر پس از این ساعت ترسی بر تو نیست.

عرض کردم: «فدایت شوم این مرد را می شناسی؛ درحالی که به این سرزمین تا امروز پا نگذاشته ای؟!» فرمود:

يا موسى! أما علمت أنا معاشر الأئمة تعرض علينا أعمال شيعتنا صباحاً ومساءً
فما كان من التقصير في أعمالهم سألنا الله تعالى الصّحاح لصاحبه وما كان من العلوّ
سألنا الله الشُّكر لصاحبه....

آیا نمی دانی اعمال شیعیان هر صبح و شام بر ما ائمه عرضه می شود؛ هر که تاهی که داشته باشند از خدا درخواست می کنیم از آن چشم پوشی نماید و هر کار

نیک که داشته باشند از پروردگار تقاضا می‌کنیم، پاداش آنها را بدهد! (ابن شهر آشوب، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۳۴۱)

مرحوم کلینی در کتاب الکافی بابی تحت عنوان «بَابُ عَرَضِ الْأَعْمَالِ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» قرار داده است و چندین روایت در این خصوص از اهل بیت علیهم السلام آورده است؛ از جمله: سماعه می‌گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم می‌فرمود:

مَا لَكُمْ تَسْوِءُونَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ رَجُلٌ كَيْفَ تَسْوِءُهُ فَقَالَ أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيْهِ فَإِذَا رَأَى فِيهَا مَعْصِيَةً سَاءَهُ ذَلِكَ فَلَا تَسْوِءُوا رَسُولَ اللَّهِ وَ سُرُوءَهُ. (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۲۱۹)

چرا به رسول خدا بدی می‌کنید و ناراحتش می‌سازید؟ یک نفر گفت: چطور می‌شود ما رسول خدا را ناراحت کنیم؟ فرمود: آ نمی‌دانید که عمل‌های شما به رسول خدا عرضه می‌شود؟! وقتی در اعمال شما گناهی ببیند، ناراحت می‌شود. پس رسول خدا را ناراحت نکنید؛ بلکه وی را شاد نمایید.

مردم باید به این باور برسند که آنچه انجام می‌دهند، اعم از اعمال ظاهری یا باطنی، همان را مأموران الهی در قیامت زیر نظر ائمه به ما عرضه خواهند داشت. رید بن معاویه می‌گوید:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ فَقَالَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَمُوتُ وَ لَا كَافِرٍ فَيُوضَعُ فِي قَبْرِهِ حَتَّى يَعْضَّ عَمَلَهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ عَلَى عَلِيٍّ فَهَلُمَّ جَرًّا إِلَى آخِرٍ مَنْ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ عَلَى الْعِبَادِ. (همو، ۱۴۰۴ق، ص ۴۲۷)

در محضر امام باقر علیه السلام آیه «اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» را خواندم. حضرت فرمود: «پس از اینکه مؤمن و کافر در قبرش گذاشته می‌شود، عملش به رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام [و امامان پس از ایشان] تا آخرین امامی که خداوند اطاعت او را بر بندگان واجب کرده، عرضه می‌شود».

حال این سؤال پیش می‌آید که مگر خداوند، «ستار العیوب» نیست؟! پس چرا طبق آیه

۱۰۵ سوره توبه که می‌فرماید ﴿فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾، علاوه بر خداوند،

پیامبر و گروهی از مؤمنان نیز اعمال انسان را می‌بینند؟!

در پاسخ این شبهه لازم است چند نکته بیان شود:

اول: اطلاع یافتن حضرات معصومین علیهم‌السلام از اعمال انسان‌ها در نظام تکوینی عالم، امری طبیعی است؛ زیرا در نظام عالم، با تدبیر خداوند، معلول‌ها و مسببات پس از فراهم آمدن علل و اسبابشان پدید می‌آیند و عمل می‌کنند. هرگاه پدیده‌ای به وجود می‌آید، لاجرم به صورت قهری و طبیعی، اثر وضعی آن پدیده آشکار می‌گردد؛ چون اعمال و گفتارهای انسان‌ها دارای بازتاب‌های مختلفی است که هرگز محو و نابود نمی‌شوند. بنابراین هر رفتار ناصواب آدمی، اثری در پیرامون خود به جای می‌گذارد که لاجرم توسط برخی از انسان‌های وارسته و متقی رصد می‌شود و این، همان بل تشخیص بودن آثار وضعی کارهای خوب و بد (صواب و خطا) برای بندگان صالح خداوند است. ما بر این باوریم تیم که هر کس با تربیت و تهذیب دینی، به اندازه قدرت ایمان و تقوایی که در خود پرورش می‌دهد، نفوذ بصیرت در تشخیص دقیق پدیده‌های عالم - که اثر وضعی گناهان هم جزئی از آنهاست - پیدا می‌کند. کسی که چنین مرتبه‌الایی در معنویت پیدا می‌کند، می‌تواند با چشم بصیرت خود از آثار وضعی گناهان و معاصی دیگران مطلع شود. بیت‌السلام به خاطر برخورداری از بالاترین مراتب رشد معنوی، بیشترین تسلط را بر نظام تکوین دارند. لذا بیشتر از دیگران به آثاری که اعمال هر کس بر روی خود شخص و محیط اطراف او می‌گذارد، علم پیدا می‌کنند. در روایتی آمده است که وقتی امام متولد می‌شود، خداوند ستونی از نور برای امام نصب می‌کند که می‌تواند تمام اعمال مردم میان زمین و آسمان را به وسیله آن مشاهده کند. (صفار قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۳۸) در نتیجه این منافاتی با ستار بودن خداوند پیدا نمی‌کند؛ زیرا چنین اتفاقی نتیجه تقیم اعمال و کارهای شخص گناهکار است؛ نه اینکه آن حضرات و اولیا و عرفا در زندگی او تجسس کرده باشند.

دوم: اطلاع معصومان علیهم‌السلام و او یای الهی از اعمال آدمی، جنبه‌های پیشگیرانه و تربیتی در

رفتار آدمی دارد؛ به عبارت دیگر، اطلاع معصومان علیهم السلام زمینه کمک به شما ص معصیتکار را فراهم می‌کند و اصلاح رفتار او را به دنبال دارد. خداوند درباره دیده شدن اعمال انسان‌ها توسط خداوند و اولیای الهی صریحاً می‌فرماید:

﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ
وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾؛ (توبه: ۱۰۵)

و بگو: عمل کنید. خدا و پیامبرش و مؤمنان اعمال شما را خواهند دید و شما به نزد دانای نهان و آشکار بازگردانده می‌شوید و او شما را از اعمالتان آگاه خواهد کرد.

این آیه با اعلام قبلی موضوع نظارت خداوند و معصومان علیهم السلام بر اعمال انسان، به او هشدار می‌دهد که باید مواظب اعمال خود باشد. امام باقر علیه السلام نیز به همین نکته اشاره می‌فرماید:

إِنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تُعْرَضُ عَلَى نَبِيِّكُمْ كُلِّ عَشِيَّةٍ الْخَمِيسِ فَلْيُسْتَحْيِ أَحَدُكُمْ أَنْ يَعْزِضَ
عَلَى نَبِيِّهِ الْعَمَلَ الْقَبِيحَ. (مجلسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۳، ص ۳۴۴)

همانا اعمال بندگان بر پیامبرتان هر شب پنجشنبه عرضه می‌شود. پس هر کدام از شما باید شرم کند از اینکه عمل زشتی از وی بر پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه شود.

سوم: انسان‌هایی که به این مرتبه از قدرت نفس رسیده‌اند و می‌توانند شاهد اعمال انسان‌ها باشند، جز آنچه مطلوب و مرضی الهی است نخواهند دید. بنابراین صرف عالم بودن به باطن عیوب پنهانی افراد آشکار نخواهد شد. خداوند چشم برزخی و اطلاع از اعمال بندگان را به هر کسی نمی‌دهد؛ بلکه به کسانی عنایت می‌کند که محرم اسرار الهی باشند، ظرفیت تحمل آن را داشته باشند، جایگاه استفاده از آن را بدانند و جز با اذن خدا و اطمینان از رضایت او از آن استفاده نکنند. لذا آنها نیز خود از صفت ستاریت برخوردار هستند و هیچ‌گاه برخلاف اراده خدا، اراده‌ای نمی‌کنند. (خصیبه، الهدایة الکبری، ص ۲۳۰)

منابع

١. قرآن ك م با ترجمه آية الله ناصه مكارم شيرازى.
٢. آلوسى، نعمان بن محمود (بى تا). الآيات البينات فى عدم سماع الأموات على مذهب الحنفية السادات، تحقيق محمد ناصر الدين الألبانى، بيروت، المكتب الإسلامى، الطبعة الرابعة.
٣. ابن شهر آشوب، محمد بن على السرى المازندرانى (١٤٢١ق). مناقب آل ابى طالب، بيروت، ذوى القربى.
٤. ابن طاوس، على (بى تا). جمال الأسبوع، قم، انتشارات الرضى.
٥. ابن مشهدى، محمد بن جعفر (١٤١٩ق). المزار الكبير، تحقيق و تصحيح جواد قىومى اصفهانى، قم، دفتر انتشارات اسلامى.
٦. حر عاملى، محمد بن حسن (١٤١٢ق). وسائل الشيعة، قم، آل البيت عليه السلام.
٧. حسكانى، عبيدالله بن عبدالله (١٤١٢ق). شواهد التنزيل لقواعد التفضيل فى الآيات النازلة، تحقيق شيخ محمد باقر محمودى، بيروت، مؤسسه اعلمى.
٨. حلبى، على بن ابراهيم (بى تا). السيرة الحلبية (المسمى: انسان العيون فى سيرة الامين و المأمون)، تصحيح خليلى عبدالله محمد، بيروت، دار الكتب العلميه.
٩. سمرقندى، نصر بن محمد (بى تا). تفسير بحر العلوم، تحقيق محمود مطرجى، بيروت، دار الفكر.
١٠. سمهودى، على بن عبدالله (٢٠٠٦م). وفاء الوفا بأخبار دار المصطفى، تحقيق خالد عبدالغنى، بيروت، دار الكتب العلمية.
١١. سيوطى، عبدالرحمان بن أبى بكر، (١٤٢٤ق). الحاوى للفتاوى، بيروت، دار الفكر.
١٢. شريف رضى، محمد بن الحسين (١٣٦٩ش). نهج البلاغة، تحقيق سيد كاظم محمدى و محمد دشتى، قم، انتشارات الإمام على عليه السلام، الطبعة الثانية.
١٣. شوكانى، محمد بن على (بى تا). نيل الأوطار، قاهرة، دار الحديث.
١٤. شيخ صدوق، محمد بن على (١٣٦٣). الخصال، تصحيح على اكبر غفارى، قم، دفتر انتشارات

اسلامى.

١٥. _____، (١٣٧٨ش). عيون الأخبار الرضا عليه السلام، تحقيق مهدي الحسيني اللاجوردى، تهران، منشورات جهان.
١٦. _____، (١٤١٣ق). من لا يحضره الفقيه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامى.
١٧. صالحى شامى، محمد بن يوسف (١٤١٨ق / ١٩٩٧م). سبيل الهدى و الرشاد فى سيرة خير العباد، قاهره، المجلس الأعلى للشئون الإسلامية.
١٨. صفار قمى، محمد بن الحسن (١٤٠٤ق). بصائر الدرجات، الطبعة الأولى، قم، مكتبة آية الله المرعشى.
١٩. طباطبايى، سيد محمد حسين (١٣٩٣ق / ١٩٧٣م). الميزان فى تفسير القرآن، بيروت، مؤسسه الأعلمى، الطبعة الثالثة.
٢٠. طبرسى، أحمد بن على (١٣٨٦ق). الاحتجاج على اهل اللجاج، تحقيق محمدباقر الخرسان، نجف، مطبعة النعمان، الطبعة الأولى.
٢١. طوسى، محمد بن الحسن، (١٤١٤ق). الامالى، قم، دارالثقافة، الطبعة الأولى، مؤسسه البعثة.
٢٢. طيب، سيد عبدالحسين (١٣٧٨ش). اطيب البيان فى تفسير القرآن، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلام.
٢٣. على بن حسين عليه السلام (امام چهارم) (١٤١١ق). الصحيفة السجادية الجامعة لادعية، تحقيق مؤسسه الامام المهدي عليه السلام، قم، مؤسسه الامام المهدي عليه السلام.
٢٤. فخر رازى، محمد بن عمر (١٤٢٠ق). مفاتيح الغيب، بيروت، دار احياء التراث العربى.
٢٥. کرمانى، محمود بن حمزة بن نصر (١٣٩٦). أسرار التكرار فى القرآن، تحقيق عبدالقادر احمد عطا، الطبعة الثانية، قاهره، دار الاعتصام.
٢٦. كلينى، محمد بن يعقوب (١٣٨٩ق). الكافى، تحقيق على اكبر غفارى، الطبعة الثانية، تهران، دار الكتب الإسلامية.
٢٧. مجلسى، محمدباقر بن محمدتقى (١٤١٢ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام،

- تحقيق دار إحياء التراث، الطبعة الأولى، بيروت، دار احياء التراث.
٢٨. مكارم شيرازى، ناصر (١٣٧٤ش). تفسير نمونه، تهران، دار الكتب الإسلامية.
٢٩. واحدى، على بن أحمد (١٤١٥ق). الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، تحقيق صفوان عدنان داوودى، دمشق - بيروت، الطبعة الأولى، دار القلم - الدار الشامية.

